

## بررسی دشواری‌های پیش‌روی مترجم در ترجمه اسامی حیوانات

### در دو زبان فارسی و فرانسه

مقاله پژوهشی

ملیکا فتوحی نانساء<sup>۱</sup>

کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مرضیه اطهاری نیک عزم

استادیار زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

#### چکیده

ترجمه در عصر حاضر پدیده‌ای چندوجهی است که تخصص در آن نیازمند دانستن بیش از واژه و دستور زبان است. این امر به معنی انتقال (وارد و صادر کردن) علم، صنعت، فرهنگ، ادبیات و هنر است. در نتیجه تمرکز بر مطالعات ترجمه، نقد و هم‌چنین راهکارها و علوم روز دنیا اهمیت بسزایی دارد. از آن جایی که حیوانات در زندگی بشر همواره نقش پر رنگی ایفا کرده‌اند حضور آن‌ها در کنار انسان یا به‌عنوان شخصیت اصلی در بسیاری از متون قابل توجه است. ترجمه این اسامی چالشی برای مترجمان در همه زبان‌هاست. تفاوت موجود در زبان، فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، تجربه زیسته، دین، نماد، اسطوره و بسیاری مسائل منشأ تفاوت در نامگذاری حیوانات و تصویر پس‌زمینه‌ای آن‌هاست. در این پژوهش هدف آن است تا نشان دهیم ترجمه اسامی حیوانات همیشه به‌درستی صورت نگرفته است. بدین‌منظور ابتدا اسامی حیوانات را دسته‌بندی کرده و سپس با بهره‌بردن از تعریف معنی در زبان‌شناسی و پارامترهای فرازبانی نظیر فرهنگ، تاریخ، اسطوره و غیره به تحلیل پاره‌ای از اشکالات در ترجمه پرداخته‌ایم. پیکره مورد مطالعه آثار ادبی و هنری بوده است. در واقع با رجوع به چند اثر ترجمه‌شده زبان و ادبیات فارسی و فرانسه و تقابل آن‌ها

با یکدیگر نشان دادیم که واژه‌هایی به ظاهر ساده، چه ناگفته‌هایی را می‌توانند در برداشته باشند.

**کلیدواژه‌ها:** اسامی حیوانات، زبان فارسی، زبان فرانسه، مطالعات ترجمه، معنی/معنا

### ۱. مقدمه

بسیاری معتقدند ترجمه تنها عمل بازگردان مفاهیم از زبانی به زبان دیگر نیست بلکه به گفته امبرتو اکو بین دو فرهنگ یا دو دانشنامه است (اکو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۷۹). بدترین مترجمان تنها پیام را منتقل می‌کنند؛ پس تنها با دانستن واژگان و دستور زبان نمی‌توان نتیجه مطلوب را حاصل کرد و مترجم نیازمند آگاهی‌هایی از جنس فرهنگ، تاریخ، ادبیات، اسطوره و علوم چون ترجمه‌شناسی، نقد ترجمه و... است. امروزه ترجمه ابزاری برای گسترش علم و فرهنگ است. به خوبی می‌توان تصور کرد که اشتباه مترجم تا چه میزان می‌تواند در یک جامعه تأثیرگذار باشد. این نکته منحصر به متون علمی نخواهد بود. در علوم انسانی نیز ترجمه نقش مهمی داراست در این حوزه نیز واژه نادرست تصویر ذهنی خواننده را مخدوش کرده و منطق روایت را بر هم می‌ریزد. گفته می‌شود ارزش بسیاری از مفاهیم در مواجهه با دیگر زبان‌ها یا فرهنگ‌ها قابل کشف است، پس ترجمه می‌تواند ابزار انتقال مفاهیم باشد و دیدگاه دیگر ملت‌ها را نشان دهد، اما مشکلاتی مانع از ترجمه بی‌عیب و نقص می‌شود. برای مثال در میان واژگان، اسامی حیوانات از مباحث چالش برانگیز است.

می‌دانیم از حیوانات به دلیل نقش گسترده‌شان در زندگی انسان در اسطوره‌ها، افسانه‌ها، داستان‌های حیوانات<sup>۲</sup>، حکایات، امثال، کتب مقدس، آثار ادبی و.. با اهدافی چون انتقادی، تعلیمی، زیبایی‌شناختی، نمادین، سرگرمی و... نام برده شده است و جزو واژگان پر تناوب متن هستند. اما سؤال اینجاست که آیا همه این اسامی به درستی ترجمه شده‌اند؟ آیا مترجم توانسته با انتخاب معادل صحیح همان بار معنایی و فرهنگی را منتقل نماید؟ فرض این است که در همه موارد چنین نبوده است. برای مثال هانری فوشه کور<sup>۳</sup> در ترجمه واژه «هما» در شعر حافظ

1. Eco

2. Fable

3. Charles Henry de Foucheour.

واژه *aigle* را به کار برده است که در لغت معادل عقاب است. واضح است که ترجمه اشعار فارسی، به‌ویژه حافظ، به سادگی میسر نیست و مترجم در انتخاب معادل صحیح با مشکلاتی روبه‌رو بوده است. در این تحقیق، ما مشکلاتی را که مترجم در ترجمه اسامی حیوانات با آن مواجه بوده است بررسی می‌کنیم. روش ما در واقع مقابله و بررسی ترجمه می‌باشد و بر این امر تاکید داریم که چه عواملی می‌تواند در تولید معنای درست نقش داشته‌باشد. بدین‌منظور ابتدا اسامی حیوانات را دسته‌بندی کرده سپس با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مثال‌هایی جهت واضح کردن بیشتر مسئله می‌آوریم. دسته‌بندی‌های صورت‌گرفته برای برجسته‌کردن این مشکلات است و هرکدام از مثال‌ها می‌تواند در سایر دسته‌ها نیز جای گیرند. از آنجایی که پیکره مطالعاتی با این دسته‌بندی بسیار گسترده می‌گردد، آن را محدود به آثار ادبی-هنری و فولکلور کرده‌ایم. برای بررسی تولید معنا علاوه بر توضیح معنی و پیچیدگی‌های آن، پارامترهایی نظیر فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اسطوره را مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

در جستجوها تنها به یک مقاله مستقل در این خصوص دست یافته‌ایم که در مجلد ۵۵ شماره ۴ مجله *Meta*<sup>۱</sup> [۲] به تاریخ دسامبر ۲۰۱۰ تحت عنوان « *Noms d'animaux et difficultés de traduction* » (<https://www.erudit.org/fr/revues/>) در صفحات ۷۶۹-۷۷۸ منتشر شده است. در این مقاله که نگارنده نیز از آن بهره برده، مشکلات پیش‌روی مترجم در این خصوص دسته‌بندی گردیده و با مثال‌هایی به آن‌ها پرداخته شده است. در زبان فارسی مقاله‌ای در خصوص مشکلات ترجمه اسامی حیوانات یافت نشده است.

## ۳. بحث و بررسی

در این تحقیق به تقابل واژگان دو زبان فارسی و فرانسه در حوزه ترجمه اسامی حیوانات پرداخته‌ایم [۳] که بحث تولید معنا را مطرح می‌کند. از آنجایی که در ترجمه هدف اصلی تولید معناست، لازم است این نکته در نظر گرفته شود که آیا نام انتخاب‌شده حیوان مورد نظر در متن

1. La revue *Meta*.

همان مفهوم و معنا را تولید کرده است یا خیر؟ در واقع برای هر زبانی می‌توان سپهر فرهنگی‌نشانه‌ای در نظر گرفت که در آن هر واژه تولید معنا می‌کند و معنا به عواملی چون تاریخ، جغرافیا، فرهنگ و ادبیات هر کشور بستگی دارد که در روند مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. در آغاز به دسته‌بندی اسامی حیوانات پرداخته و آن را با ذکر مثال در متون ادبی-هنری واکاوی کرده و دشواریهای آن را نشان می‌دهیم.

می‌توانیم اسامی حیوانات را شامل چند بخش کلی بدانیم: ۱- اسامی متداول (کاربرد روزمره) [۴] ۲- اسامی خاص (اعلام)؛ ۳- اسامی علمی؛ ۴- اسامی بومی؛ ۵- اسامی تخیلی، ترکیبی، اساطیری/افسانه‌ای یا طنز. ترجمه هریک از این دسته‌ها چالش خاص خود را دارد. دسته اول: اسامی متداول با کاربرد روزمره و عمومی که برای همگان قابل درک و فهم می‌باشد. مثلاً از پرندگان گنجشک، کبوتر، از خزندگان مار، عقرب و از جوندگان موش را می‌توان نام برد.

دسته دوم اسامی خاص<sup>۲</sup> به اسامی منحصر به فرد اطلاق می‌شود، گونه‌ای از اسامی عام<sup>۳</sup> که هرگز نشانه جمع نمی‌پذیرد مگر در نقش صفت به کارگرفته‌شود. بسیاری معتقدند فرآیند ترجمه، اسامی خاص را در بر نمی‌گیرد به گفته جرج کلیبر<sup>۴</sup> «هر نوع تغییر منجر می‌شود به یک اسم خاص جدید نه به ترجمه آن» (لوکویت، مورل و ویتاس<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱: ۴۰-۴۱). البته مطالعات بسیاری این امر را رد کرده‌اند: چراکه «اسامی خاص مانند هر واحد زبانی دیگری، در هنگام گذر از زبانی به زبان دیگر دستخوش تغییرات می‌شوند... [این اسامی] مطابق نوع، کاربرد و زبان مقصد، می‌توانند در معرض تمامی فرآیندهای موجود ترجمه قرار بگیرند... از قبیل گرده‌برداری<sup>۶</sup>، برابرسازی<sup>۷</sup>، تغییروجه<sup>۸</sup> و...» (لوکویت، مورل و ویتاس، ۲۰۱۱: ۴۰-۴۱). برای

1. Vernaculaire : نام متداول گونه‌ای خاص از حیوانات و گیاهان در کشور خاص.

2. Nom Propre

3. .Nom commun

4. Georges Kleiber

5. Lecuit, Maurel, Vitas

6. Le calque

7. L'équivalence

8. La modulation.

مثال واژه *Gryphon* از ترکیب شیر (تن شیر)، عقاب (سر) و اسب (گوش) در کتاب انگلیسی آلیس در سرزمین عجایب<sup>۱</sup> توسط مترجم حسن هاشمی میناباد با تکنیک جایگزینی اسم خاص با معادل آن در فارسی به «شیردال» تبدیل شده است (معاذالهی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). البته می‌توان گفت: صرف نظر از راهبرد مورد استفاده مترجم، اسم خاص به همان صورتی که در زبان اصلی آمده است، باید در پانویس نوشته شود تا از به وجود آمدن هر گونه ابهامی جلوگیری شود و مخاطب بتواند برای کسب اطلاعات بیشتر از آن استفاده کند. توجه به این نکته در متون علمی ضرورت بیشتری می‌یابد. (حسینی معصوم و شاه‌بیک، ۱۳۹۲: ۵۲). دسته سوم: اسامی علمی. در سال ۱۷۵۸، محققان سراسر جهان جهت یکسان‌سازی قطعی معادل‌های این اسامی در زبان‌های گوناگون و رفع موانع زبانی در مطالعات علمی، بر نامگذاری لاتین یا لاتین‌شده اسامی حیوانات، گیاهان و مواد معدنی توافق کردند (اونس و والترا، ۲۰۱۰: ۷۷۳). این اسامی در کتاب *سامانه طبیعت*<sup>۳</sup> [۵] در قالب نام‌گذاری علمی جفت‌کلمه‌ای<sup>۴</sup> شامل اولی گونه<sup>۵</sup> و دومی واژه توصیفگر<sup>۶</sup> (صفت، نام بومی به لاتین، کشور، منطقه زیستی، نام افتخاری کاشف...) توسط دانشمند سوئدی کارل لینه<sup>۷</sup> تدوین شده است. مثال: *Felis catus* (گره)، (شیر) *leoPanthera* (آی‌آی) *Daubentoniamadagascariensis* (<http://www.larousse.fr/>). *dictionnaires*). این دسته تنها در متون علمی و تحقیقاتی یافت می‌شود و کاربرد در مکالمات روزمره و آثار ادبی نخواهد داشت. برای مثال پرستوی دم‌کوتاه (ویژگی جسمی) (*Psalidoprocnenitens*)/پرستوی دریای سرخ (*Hirundo perditia*) (منطقه زندگی)/ (*Prognemurphyi*) برگرفته از نام لاتین کاشف آن است.

دسته چهارم: اسامی بومی، دسته‌ای خاص که کاربرد کمتری دارد و ترجمه آن دشوار و اغلب تلاش مترجمان برای آن بی‌ثمر است، چراکه معادل دقیقی را نمی‌توان برایشان ارائه کرد

1. Alice in Wonderland
2. Avenas, Walter
3. Systema naturae
4. La nomenclature binominale
5. Le nom générique
6. Le nom spécifique
7. Carl von Linné

که علاوه بر معنا سایر ویژگی‌ها را هم دربرگیرد. در برخی موارد هم چون مثال زیر نبود تنوع کافی اسامی در زبان مقصد سبب مشکلات می‌شود. تفاوت واژه‌های کبوتر، فاخته، قمری، کوکو، موسیچه (موسیچه)، یاکریم و موسی کوتقی برای فارسی‌زبانان هم به درستی مشخص نیست اما در صورت حضور در متن باید به جزئیات معنایی، ظاهری و محلی آن توجه خاصی مبذول کرد. این پرنده‌ها از یک خانواده و شبیه به هم هستند ولی «یاکریم» نوعی قمری است، به رنگ خاکستری با پاهای قرمز، بزرگ‌تر از سایرین، دارای نیم‌طوقی سیاه‌سفید در پشت و نوکی نازک و طولانی و «موسی کوتقی» نام خراسانی قمری خانگی است که وجه تسمیه آن آواز محزون و داستانی عامیانه است. این پرنده در جنوب شرقی سُوهِتَلَه (سُوْتَلَه)، در کاشان قوقو، در گویش اصفهانی پاختر و در جهرم کاکایوسف نامیده می‌شود

(<https://www.mizanonline.com/fa/news/>)<sup>۱</sup>

دسته پنجم: در واقع دسته ویژه‌ای از مورد اول می‌باشد. اسامی اسطوره‌ای به تخیل و حافظه جمعی برمی‌گردد برای نمونه: پگاسوس<sup>۲</sup>: اسب بالدار فرازمینی اساطیر یونان از خون مدوس<sup>۳</sup> زاده شد و یار و مرکب بلروفون<sup>۴</sup> بود. او پس از تولد به آسمان رفت تا به خدمت زئوس درآید و در آخر چون صورت فلکی ظاهر شد. تصویر این جاندار در کتیبه‌های اشکانی نیز دیده می‌شود. می‌توان حیوان اساطیری منطقه بین‌النهرین لاما/لاماسو<sup>۵</sup>، گاو بالدار، خدای نگهبان شهر و ورودی کاخ‌ها را نام برد که به آن هوش انسان، نیروی گاو (شیر) و قدرت پرواز عقاب نسبت داده شده است. به نوعی این تمثال نسخه آشوری و پارسی ابولهور<sup>۶</sup> است.

اسامی تخیلی اما عمدتاً مربوط به تخیل یک فرد می‌باشد. در این مورد، لوی<sup>۷</sup> معتقد است از آنجایی که ترجمه، حاصل مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌هاست، «اولین انتخاب مترجم در این موارد انتخاب بین ترجمه کردن و یا ترجمه نکردن این اسامی است» (فاریا، ۱۳۹۶: ۱۶). اما

۱. اطلاعات بیشتر <https://rasekhoon.net/article/>

2. Pégase, en latin Pegasus
3. Gorgone Méduse
4. Bellérophon
5. Lamassu / Lamma/Lama
6. Sphinx
7. Jiri levý

مسائلی چون وفاداری به متن اصلی و خلاقیت نیز در این نوع دخیل هستند. در مورد انتخاب بین وفاداری و آزادی از زمان سیسرون<sup>۱</sup> و سنت ژرْم<sup>۲</sup> تاکنون بسیار گفته شده است اما در خصوص خلاقیت فاربا معتقد است:

خلاقیت مترجم در گرو سنت ملی هر کشور است، «به عبارت دیگر، مترجم در صورتی به ترجمه اسامی اشخاص تمایل نشان می‌دهد که سنت ترجمه ملی که در آن/یا برای آن فعالیت می‌کند هم به او اجازه این کار را دهد یا او را برای آن تشویق کند. (فاربا، ۱۳۹۶: ۱۷)

از نظر او خلاقیت می‌تواند بعد فردی هم داشته باشد. مثال او ترجمه اسامی تخیلی شخصیت‌های داستانی مجموعه هری پاتر، هری پاتر و سنگ جادو<sup>۳</sup>، است:

اسامی دو گربه هاگرید غول‌پیکر<sup>۴</sup>... یکی از آن‌ها پشمالو (Fluffy) گربه‌ای وحشی با سه سر- و دیگری فنگ (Fang) بسیار مهربان و ترسوست. این اسامی به پرتغالی و اسپانیایی ترجمه نشده ولی در فرانسه Touffu (پرمو) و Crockdur (درنده)، در برزیل Fofu (پشمالو) و Canino (به معنی وحشی و/یا دندان) ترجمه شده است که با نسخه انگلیسی آن هماهنگی معنایی دارد. بدون ترجمه این اسامی، دستیابی به بازی‌های کلامی برای خوانندگان جوان سخت به نظر می‌رسد. (فاربا، ۱۳۹۶: ۱۷)

با بررسی چند ترجمه نتیجه می‌گیرد که برخی کشورهایی که مطالعات ترجمه در آن‌ها قرن‌هاست به صورتی جدی دنبال می‌شود گرایش بیشتری به خلاقیت دارند و مترجمان فرانسوی در این زمینه پیشتاز بوده‌اند چنان‌که در مثال بالا «ترجمه Fang (دندان نیش) به Crockdur (درنده) براساس کلمه فرانسوی croc (دندان نیش جانوران) صورت گرفته است» (فاربا، ۱۳۹۶: ۱۷).

در این دسته می‌توان مثال پینه‌دوز/ کفش‌دوز (ک) را در فارسی جای داد. دلیل این نام‌گذاری به درستی مشخص نیست. این واژه در اغلب زبان‌های اروپایی هم‌چون انگلیسی (:خانم حشره ladybug/ ladybird)، اسپانیایی (mariquita ماری کوچک)، آلمانی (سوسک مریم

1. Cicéron
2. Saint-Jérôme
3. Harry Potter and The Sorcerer's Stone
4. Rubeus Hagrid

(Marienkäfer) از مریم مقدس (ع) و ردای سرخ‌رنگش گرفته شده که هفت خال بال‌ها نشان از هفت شادی و هفت رنج اوست (<https://rasekhoon.net/article/>). در فرانسه (coccinelle/ bête à bon Dieu) نیز جانوری پرستش‌گر است که افسانه‌ای از قرون وسطی بدان نسبت داده شده است. (<http://www.sgv-champagne.fr>)

اکنون، برای توضیح مشکلات و دشواری‌های ترجمه به مسئله معنی<sup>۱</sup> در ترجمه می‌پردازیم که خاص زبان است و سپس المان‌های فرازبانی شامل فرهنگ، جغرافیا، تاریخ و اسطوره که در تولید معنا و مفهوم<sup>۲</sup> دخیل می‌باشد را با مثال‌هایی شرح می‌دهیم. در پایان به ترجمه اسامی حیوانات در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات و نمادها می‌پردازیم.

#### معنی و ترجمه اسامی حیوانات

باید اذعان داشت از زمانی که برای اولین بار در قرن نوزدهم میشل برآل<sup>۳</sup> واژه سِمانتیک<sup>۴</sup> (معنی‌شناسی) را وارد زبان فرانسه کرد به بررسی معنی (signification) و معنا و مفهوم (sens) پرداخته شده است. بحث معنی و معنا مبحث مفصلی در زبان‌شناسی و معنی‌شناسی است که در چهارچوب این تحقیق نمی‌گنجد. اما تازه‌ترین تعریفی که می‌توان از معنی ارائه داد تعریف پیر-یو راکا<sup>۵</sup> زبان‌شناس فرانسوی است: «تمام اجباراتی که زبان برای ساخت معنا و مفهوم به ما تحمیل می‌نماید» (راکا، ۲۰۰۴: ۸) و این تعریف هم‌چنان در مقالات معنی‌شناسی به همین شکل تکرار شده است. ولی در مورد معنی ذکر چند مورد ضروری به نظر می‌رسد:

#### معنای صریح و معنای ضمنی<sup>۶</sup>

معنی به صورت دقیق‌تر با معنای اولیه (اصلی)<sup>۷</sup> و معنای ثانویه (هاله معنایی)<sup>۸</sup> مطرح می‌شود؛ به این ترتیب هر واژه می‌تواند علاوه بر معنای تحت‌اللفظی خود معنای ضمنی یا هاله

- 
1. Signification
  2. Sens.
  3. Michel Bréal
  4. Sémantique
  5. Pierre-Yves Raccah
  6. Signification explicite et implicite.
  7. Dénotation.
  8. Connotation.



معنایی نیز داشته باشد. معنای اصلی برآیندی از هر دوی این معانی است و برای هیچ‌یک برتری نیست مگر اینکه بافت متن انتخاب مناسب‌ترین را در دست بگیرد. معنای صریح، معادل لغت نامه‌ای واژه، معنای عام آن است و معنای ضمنی به تداعی اجتماعی، فرهنگی و شخصی بستگی دارد. سجودی (۱۳۹۰: ۷۱-۷۲) برای نمونه در کتاب *همانگویی تقریبی*<sup>۱</sup> اکو می‌پرسد: «[6] *souris ou rat*» کدام گزینه برای ترجمه نمایش نامه ارجح است؟ او توضیح می‌دهد در میان معادل‌های یک واژه مترجم، بنابر اصل وفاداری، باید واژه‌ای را برگزیند که القاگر «هسته معنایی»<sup>۲</sup> [7] واژه باشد. در صحنه‌ای از این نمایش هملت فریاد می‌زند: «! *How now* A rat ?» اکو - که خود مترجم و صاحب‌نظر در زمینه نشانه‌معناشناسی است - خاطر نشان می‌کند از دو واژه «*topo*» و «*ratto*» [8] در ایتالیایی اولی انتخاب شایسته‌تری است چراکه در معنای ثانویه<sup>۳</sup> واژه «*rat*» در انگلیسی علاوه بر معنای حیوانی چونده، معنی انسان قابل ترجم هم وجود دارد، مفهومی که از واژه «*ratto*» برداشت نمی‌شود و معنای ضمنی آن سرعت (*rapidité*) است که مدنظر نویسنده نبوده است (اکو، ۲۰۰۷: ۹۲، تصویر ۳). در ادبیات فارسی هم مثال‌های متعددی وجود دارد:

مثال ۱: بین باز، شهباز (شاهباز) و شاهین تفاوت وجود دارد این کلمات که در اشعار حافظ بسیار استفاده شده برای مترجم چالش بزرگی در پیش داشته‌است. در واقع این معنای ضمنی یا هاله معنای واژه است که به انتخاب درست معادل کمک می‌نماید.

مرغ‌سان از قفس خاک هوایی گشتم / به هوایی که مگر صید کند شهبازم (بیت ۶)  
در فرهنگ دهخدا شهباز «جانوری است شکاری که به جثه از باز بزرگتر و به گیرائی کمتر می‌باشد و باز بزرگ را نیز گویند» (<http://www.vajehyab.com/dekhoda>) و احتمالاً گونه بسیار نادر و در انقراض شاهین است.

Comme l'oiseau, sorti de ma cage de terre je suis devenu aérien,  
Par ardent désir que Le Faucon royal me prenne en chasse !

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۳۳۶)

1. *Dire Presque la même chose.*
2. *Le Contenu Nucléaire.*
3. *La connotation*
4. *Eco*

داده‌ام باز نظر را به تذروی پرواز/ باز خواند مگرش نقش و شکاری بکند (بیت ۵)  
در مورد واژه باز باید گفت: «باز نام فارسی و قوش نام ترکی انواع شاهین است. آن‌طور که  
محمد بن محمود طوسی در «عجایب المخلوقات» می‌گوید: قدما ... تنها ماده آن را باز  
خوانده‌اند که در صید، قدرت و جسارت بیشتری از نر خود دارد.» (آشوری، ۱۳۹۰: ۴۵).

J'ai lâché sur un Faisan le faucon de mon regard.  
Le piège l'attirera peut-être et Le capturera.

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۱۹۲)

مرغ دل باز هوادار کمان ابرویست/ ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد (بیت ۷)  
L'oiseau du cœur est à nouveau épris d'un être aux sourcils en arc.  
Ma colombe, sois sur tes grades : le faucon royal est là !

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۱۸۰)

لازم به ذکر است شاه در کلمه شاهین و شهباز نظر به این نکته دارد که این پرند هم‌نشین  
مخصوص سلطنتی و جایگاهش بر دستان شاه بوده است. برخی عقیده دارند ویژگی‌های  
خاص رفتاری و ظاهری، او را بدل به پادشاه پرندگان کرده است، باز به نوعی نماینده  
پادشاه (یا خدا) بر زمین است که بعد از انجام مأموریت با شنیدن ندای ارجعی طبل باز می‌گردد  
(صفایی و آلیانی، ۱۳۹۶: ۲۲) شاید به این دلیل نام او را باز (دوباره) نهادند [9].

مثال ۲: مرحبا ای فاخته بگشای لحن/ تا گهر بر تو فشاند هفت صحن/ چون بود طوق وفا  
در گردنت/ زشت باشد بی وفایی کردنت (منطق الطیر عطار نیشابوری).

Salut, ô colombe (fakhita) ! Entonne ton roucoulement afin que je répande sur toi  
en niçâr sept plateaux de perles. Comme le collier de la fidélité est à ton cou, il ne  
serait pas bien à toi d'agir avec infidélité. Attar, Prévost (2016) (تصویر ۱)

خه خه ای قمری دمساز آمده/ شاد رفته تنگ دل باز آمده (منطق الطیر عطار نیشابوری)  
Salut, ô gémissante tourterelle ! Tu es allée contente et tu es revenue le coeur serré,  
.... Attar, Prévost (2016) (تصویر ۱)

خه خه ای موسیچه موسی صفت/ خیز و موسیقار زن در معرفت/.../ همچو موسی دیده‌ای  
آتش زدور/ لاجرم موسیچه‌ای بر کوه طور (منطق الطیر عطار نیشابوری)

O bergeronnette (mûcîcha), qui ressembles à Moïse (Mûça), lève-toi et fais  
résonner ton chalumeau (mûcîchar) pour célébrer la vraie connaissance de Dieu. ...

Comme Moïse, tu as vu le feu de loin ; tu es réellement un petit Moïse sur le mont Sinaï. Attar, Prévost (2016) (تصویر ۱)

موسیجه در واقع نوعی کبوتر (از راسته کوکوسانان) است که در این جا به اشتباه به نوعی دم‌جنبانک (از خانواده گنجشکسانان) ترجمه شده است.

مثال ۳: واژه «مرغ» فارسی در زبان فرانسه شامل سه معادل می‌باشد: Poulet: جوجه [خوراک]، Poule (مرغ) و Oiseau (پرنده) است: به عبارت دیگر مرغ که توان پرواز ندارد، در فارسی به معنی همه ماکیان است که در ترجمه خصوصاً متون ادبی و تاریخی باعث مشکلاتی می‌شود؛ برای مثال: در کتاب مثنوی، مولوی ۳۲۹ بار از این واژه استفاده کرده است؛ که اکثراً به معنی پرنده بوده و به Oiseau ترجمه شده است اما واژه Poule هم گاهی برای تأکید بر این دوگانگی نمادین و بیان تفاوت بین مرغ و طیور انتخاب مناسبی به نظر می‌رسد مثالی از حافظ می‌آوریم:

دولت از مرغ همایون طلب و سایه او / زان که با زاغ و زغن شهپر دولت نبود (بیت ۴)

Cherche la Fortune auprès de l'Oiseau royal et de Son ombre :

Au corbeau et au milan manquent les penes de la Fortune.

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۲۲۱)

منظور شاعر در این جا از مرغ همایون «هما» است نه مرغ (مقابل خروس). پس مترجم باید هوشیار باشد تا درگیر اشتباه نشود.

قدر مجموعه گل مرغ سحر داند و بس / که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست (بیت ۲)

Seul l'oiseau qui chante à l'aube connaîtra la valeur du recueil de la rose

Qui parcourt un livre en le feuilletant n'en saisira pas le sens.

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۵۳)

مطابق فرهنگ لغت معین (<http://www.vajehyab.com/moein>) «مرغ سحر» همان

بلبل است که در این بیت هم به همراه rose (گل سرخ) آمده است، ولی در ترجمه به همان صورت گرفته برداری شده است.

شمول و زیرشمول معنایی<sup>۱</sup>

در توضیح معنی باید گفت «این امکان وجود دارد که مفهومی بتواند یک یا چند مفهوم دیگر را شامل شود. در چنین شرایطی رابطه شمول معنایی<sup>۲</sup> مطرح خواهد بود که رابطه میان یک مفهوم و مفهوم‌های تحت شمول آن است... در این رابطه واژه‌ای که مفهومی واژه‌های دیگر را دربرمی‌گیرد... واژه شامل نامیده می‌شود [زیرگروه آن] واژه زیرشمول به حساب می‌آیند... مسأله شمول معنایی از زبانی به زبان دیگر تفاوت می‌کند» (صفوی، ۱۳۹۵: ۹۹-۱۰۱).

برخی از اسامی حیوانات واژه شمول تعدادی از دسته زیرین خود هستند برای نمونه واژه «chauve-souris» در فرانسه به‌تنهایی ۱۲۰۰ نوع مختلف از پستانداران پرنده (یعنی در حدود ۲۰ درصد انواع پستانداران شناخته شده) را تحت پوشش قرار می‌دهد (اونس و والتر،<sup>۳</sup> ۲۰۱۰: ۷۶۹-۷۷۸).

این رابطه در خصوص اسامی مذکر، مؤنث و حتی بچه حیوانات هم می‌تواند صادق باشد که این جدا از حرف تعریف به کارگرفته شده برای اسم است. در واقع اسامی حیوانات بسته به جنسیت، سن یا سایر مشخصات متفاوت است و در زبان مقصد هم اکثراً تنوع کافی معادل مناسب وجود ندارد. در خصوص کلمه خرگوش در فارسی چند معادل در زبان فرانسه هست: lièvre (خرگوش صحرائی نر بالغ با بدنی کشیده و پاهای بلند)، hase (ماده lièvre)، levrault (نابالغ lièvre)، lapin (نر بالغ)، lapine (ماده بالغ)، lapereau (نابالغ lapin) (تصویر ۴) در واقع در فارسی برعکس فرانسه برای خرگوش جنس و سن قائل نمی‌شویم.

مثال دیگر، همان‌طور که می‌دانیم منطق الطیر یا مقامات الطیور عطار نیشابوری «روایت سی هزار پرنده‌ایست که با رهبری هدهد به جستجوی فرمانروای خود، سیمرغ می‌روند. آن‌ها باید از ۷ تپه عبور کنند... آن‌ها یک به یک، به بهانه‌ای از این سفر امتناع می‌کنند» (پروست،<sup>۴</sup> ۲۰۱۶: ۳۴) و در آخر پی می‌برند که سیمرغ جز خودشان (سی مرغ) نیست. «سیمرغ» یا «سی‌رنگ»

1. Hyperonymie et hyponymie
2. Hyponymy
3. Avenas, Walter
4. Prévost

پرنده‌ای افسانه‌ایست که در شاهنامه هم تراز قهرمانانی چون رستم است. در زبان عربی این پرنده عنقا(ی مغرب) نامیده شده است. کتاب منطق‌الطیر بارها به زبان فرانسه ترجمه شده است و در اغلب آن‌ها پرنده‌ای مذکر است درحالی‌که در زبان فارسی اصلاً جنسیتی ندارد.

- Si tu n'as pas un œil propre à voir le Simorg, tu n'auras non plus un cœur brillant comme un miroir propre à le réfléchir... Attar, Prévost (2016)

عنقا شکار کس نشود دام بازچین / کان جا همیشه باد به دست است دام را (بیت ۳، ص. ۹)

Le fabuleux Anqa ne saurait être une proie, ramasse ton filet!

در آخرین ترجمه این کتاب (2012) *Le Cantique des oiseaux*، لیلی انور<sup>۱</sup> [10] آن را هم چون هانری کربن<sup>۲</sup> مؤنث ترجمه کرده است و دلیل انتخابش را چنین توصیف می‌کند:

[سیمرغ] نامی کهن است که در اوستا تحت عنوان Saëna meregha آمده است. در اوستا این نام، هم چون معادل آن در زبان عرب عنقا، نامی مؤنث است. اما در زبان فارسی تمایز جنسیتی وجود ندارد به طوری‌که نمی‌توان تشخیص داد که این اسم مذکر یا مؤنث است...

(<https://reflexivites.hypotheses.org/>)

این‌که کدام‌یک از این ترجمه‌ها درست است مسئله ما نیست، مسئله اینجاست که در دستور زبان فارسی تفکیکی برای مذکر/مؤنث بودن واژه‌ها وجود ندارد و این خود باعث سردرگمی مترجم می‌شود.

#### تناسب معنایی

در مواردی دو کلمه ممکن است شباهت‌هایی از نظر معنایی یا ظاهری داشته اما ارزش یکسانی نداشته باشند.

مثال ۱: مژدگانی بده‌ای خلوتی نافه‌گشای / که ز صحرای ختن آهوی مشکین آمد (بیت ۳)

Récompense-moi pour la nouvelle, solitaire ouvreuse de poches de musc !  
Car de la plaine de Khotan le Bouquetin porte-musc est arrivée.

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۱۸۰)

---

1. Leili Anvar  
2. Henry Corbin

در این ترجمه bouquetin معادل آهو آمده که در فرهنگ لغت لاروس به نوعی بز وحشی با شاخ‌های حلقوی اطلاق شده که در کوهپایه‌های اورآسیا یافت می‌شود (<http://www.larousse.fr/dictionnaires/>). و مشک از آن به دست نمی‌یاید (تصویر ۵).

مثال ۲:

در نعل سمند او شکل مه نو پیدا/ وز قد بلند او بالای صنوبر پست (بیت ۲)

Au sabot de Sa monture parut la silhouette de la nouvelle lune  
Et devant Sa taille altièrè, le haut du sapin semblait bas.

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۲۷)

شکوه آصفی و اسب باد و منطق‌الطیر/ به باد رفت و از او خواجه هیچ طرف نیست (بیت

(۷)

La gloire d'un Asaf, la monture du vent et le dialogue des oiseaux,  
S'en sont allés au vent et d'eux leur maître n'a tiré nul profit

حافظ، فوشه کور (۱۳۹۵: ۲۴)

در این دو بیت اسب و سمند هر دو *monture* ترجمه شده است. در واقع، سمند در لغت‌نامه اسب است که به مرکب (*monture*) ترجمه شده و متقابلاً اسب به مرکب که دلیل موجهی برای آن وجود ندارد.

عناصر فرازبانی [11] و نقش آن‌ها در تولید معنا

فرهنگ

وجه فرهنگ‌اسامی نیز می‌تواند برای مترجم در دسرساز باشد به عبارت دیگر حیوانی با پیشینه مثبت در یک فرهنگ در صورتی که در معنا یا نقشی متعارض قرار بگیرد برای مخاطب غیرقابل درک خواهد بود، مثال: عنوان فیلم روسی *Летят журавли* از میخائیل کالاتازوف<sup>۱</sup> و برنده ۱۹۵۷ نخل طلایی جشنواره کن - ترجمه تحت‌اللفظی آن *درناها پرواز می‌کنند* - به فرانسه به *Quand passent les cigognes* (وقتی لک‌لک‌ها عبور می‌کنند) تبدیل شده است. این درحالیست که این دو پرنده مهاجر تفاوت‌هایی از نظر ظاهر، نوع زندگی و جانورشناختی

1. Mikhail Kalatozov

دارند. در کشورهای شرقی درنا سمبل طول عمر و خوشبختی است (اریوه، ۲۰۰۷: ۴۰) ولی در میان فرانسه‌زبانان چنین مفهومی تداعی نمی‌شود؛ پس مترجم دست به حرکتی خلاقانه زده و آن را با لک‌لک که در اروپای غربی -خصوصاً آلاس- نماد خوش‌خبری و همراهی نوزادان به کره خاکی است جایگزین کرده است (تصویر ۲).

### تاریخ

تحول تاریخی واژگان گاه قابل تأمل است و این نه تنها در ترجمه بلکه برای خود زبان مبدأ هم اهمیت بسیاری دارد، یکی از این آثار کتاب *Roman de Renard* (رمان روباه)، مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه قرون وسطا با شخصیت‌هایی در قالب حیوانات است. در این دوره تاریخی روباه -Renard- با نام *goupil* برگرفته از واژه لاتین *vulpiculus* خوانده می‌شده است تا این که با موفقیت این رمان نزد مردم، نام شخصیت اول داستان *renart* به جای نام قبلی فراگیر می‌شود و کم‌کم *goupil* فراموش و مستعمل می‌گردد. اواسط قرن ۱۶ تغییر املائی واژه شکل امروزی آن را حاصل می‌کند. ترجمه این واژه مستعمل اما هم‌چنان موجود در فرهنگ لغت، چالشی برای مترجمان بوده است (*Reynard the fox*): ترجمه انگلیسی، (*Reineke (der) Fuchs*) ترجمه آلمانی و ترجمه ایتالیایی (*Romanzo di Renart*) مترجم اسپانیایی نام فرانسه را به همان شکل اصلی آورده است تا مولفه تاریخی آن را حتی به‌طور جزئی حفظ کرده باشد (اونس و والتر، ۲۰۱۰: ۷۷۰).

### جغرافیا

منطقه جغرافیایی اهمیت بسیاری در اسامی دارد برای مثال در منطقه گرمسیری عربستان شتر انواع مختلفی از نژاد و رنگ دارد. این حیوان به سبب ویژگی‌های منحصر به فردش، کاربردهای بسیار و به سبب ذکر نامش در قرآن ارزش بسیاری دارد؛ پس نمی‌توان منکر نقش آن در زبان و ادبیات مردم این منطقه شد به همین سبب این حیوان در نزد اعراب از ۴۵۹ اسم گوناگون برخوردار است. برای مثال «الهییم»: شتر بسیار تشنه، «بحیره»: شتری ماده که از

پنجمین زایمان مادرش به دنیا آمده باشد، «حموله»: شتر باربر... (<http://quran-journal.com/>). مسلم است که در سایر زبان‌ها مترجم برای بیان تمایز این اسم از سایر هم‌نوعانش متوسل به یک تا چند جمله خواهد شد که در کشورهای سردسیر مسئله به مراتب پیچیده‌تر است؛ مثلاً در کشوری مانند روسیه در گذشته شتر نر<sup>۱</sup> معادل «فیل بزرگ» بوده است (اونس و والتر، ۲۰۱۰: ۷۷۱).

مثال دیگر واژه‌های «Manchot» و «Pingouin» در زبان فرانسه که تفاوت آشکاری برای فرانسوی‌زبانان دارند اما معادل هر دوی آن‌ها در فارسی «پنگوئن» است. در حالی که اولی پرنده دریایی قطب جنوب است شناگری ماهر و ناتوان در پرواز و دومی پرنده دریایی مناطق نیم‌کره شمالی<sup>۳</sup> به رنگ سفید و سیاه است که توانایی پرواز دارد. در انگلیسی آنچه فرانسوی‌ها Manchot می‌نامند Penguin می‌خوانند در آلمانی Pinguin در اسپانیا Pingüino و در ایتالیا Pinguino است (<https://www.futura-sciences.com/>) (تصویر ۶).

مثال دیگر، واژه بوقلمون در زبان فارسی نام نوعی پارچه است که با تغییر جهت نور تغییر رنگ می‌دهد (<http://www.vajehyab.com/dekhoda>). این پرنده در عربی دیک رومی (خروس رومی)، در انگلیسی turkey (ترکیه)، در فرانسه dinde: de l'inde (مرغ) از هند، منظور هند غربی، منطقه‌ای از کارائیب است) خوانده می‌شود.

### نوع شناسی جانوری

در کشورهای مختلف طبقه‌بندی حیوانات ضرورتاً یکسان نمی‌باشد. در فیلم پرنده‌گان ساخته آلفرد هیچکاک<sup>۴</sup> (۱۹۶۳) مترجم *des goélands* - مرغ نوروزی - را به *des mouettes* - مرغ دریایی [12]- که بیشتر نزد مخاطب شناخته شده ترجمه کرده است (اونس و والتر، ۲۰۱۰: ۷۷۱) ولی این دو پرنده دریایی تفاوت‌هایی در نوع و مکان زندگی، آواز و حتی ظاهر با یکدیگر دارند: مطابق فرهنگ لغت لاروس «جثه مرغ نوروزی بزرگتر، سر آن به رنگ سفید، منقارش زرد با یک خال قرمز، پاهایش صورتی یا زرد و بدنش خاکستری است

1. Verblûd
2. Hémisphère austral, Antartique
3. Des régions arctiques.
4. The Birds, Sir alfred Hitchcock



در صورتی که مرغ دریایی جثه‌ای متوسط (۲۵-۴۵ سانتی‌متر) و پرهایی سفید، سر خاکستری و نوک و پاهایی قرمز تیره دارد» (<http://www.larousse.fr/dictionnaires/>) (تصویر ۱۰).  
 در ترجمه موبی‌دیک از هرمان ملویل<sup>۱</sup> (۱۸۵۱) شخصیت اصلی داستان یک نهنگ عنبر<sup>۲</sup> است که به اشتباه وال سفید<sup>۳</sup> ترجمه شده است. همان سوء تفاهمی که برای داستان پینوکیو<sup>۴</sup> رخ داده است؛ در این داستان ایتالیایی نوشته کلودی<sup>۵</sup> در سال ۱۸۸۳ *Pescecane* در حقیقت کوسه بوده که به نهنگ ترجمه شده است (تصاویر ۱۱ و ۱۲).  
 یا درباره نام خارپشت آن‌طور که فارسی‌زبانان بی‌هیچ منطقی نوعی جوجه تیغ‌دار نامیده‌اند، در حقیقت نوعی پستاندار است.

#### اسطوره

گفته شد اسامی حیوانات گاه از اسطوره‌ها به جای مانده و طبیعتاً بار معنایی خاص خود را دارد. برای مثال «هما» اسطوره‌ای است که در بقایای پارسیه نیز تمثالی از آن وجود دارد. کرکس گونه‌ای از نوادگان هماغان است که در آسیای میانه، آفریقا، خاورمیانه و حتی اروپا یافت می‌شود و هم‌چون اجدادش از استخوان تغذیه می‌کند و نماد قناعت است. این حیوان در اوستا به معنی «خالق جهان» آمده است و مردم معتقد بودند که خوش یمن است و به کمک آن پادشاه آینده‌شان را انتخاب می‌کردند به این ترتیب که سایه آن بر سر هر کس که بیافتد شایسته سروری است. او نماد حقیقی «فر»، تأیید حق یعنی تضمین قدرت و علم است. هم‌چنین رابطه معنایی با مفهوم سعادت دارد که نام دخترانه هما و نام پسرانه همایون به احتمال از آن گرفته شده است.

ترجمه چنین مواردی اغلب ناموفق و پرحاشیه است، نمی‌توان چنین مفاهیم ارزشمندی را با یک کلمه منتقل کرد و از آن‌جایی که بخشی از فرهنگ و تاریخ شفاهی یک ملت است حساسیت برانگیز جلوه می‌کند. در ترجمه اشعار حافظ این واژه به صورت «پرنده‌ای بزرگ با

1. Moby-Dick, The Whale de Herman Melville
2. Un cachalot
3. La baleine blanche
4. Pinocchio
5. Collodi

سایهٔ سعادت» ترجمه شده و در پای‌نوشت آن چنین آمده است: «(homa): پرنده‌ای شاهانه و افسانه‌ای که بر سر شاه آینده می‌نشیند و سایه‌اش خوشبختی می‌آورد.» حافظ (۱۹۹۹). اینکه چرا اسم این پرنده با حرف کوچک و فقط در توضیحات آمده است مشخص نیست اما در خصوص شعر دوم معادل داده شده مترجم منطقی به نظر نمی‌رسد:

همائی چون تو عالی قدر حرص استخوان تا کی / دریغ آن سایهٔ همت که بر نااهل افکندی (الطاف خداوندی)

Il n'est certes pas charognard,

Ce grand oiseau à l'ombre heureuse.

C'est sur un monde indigne que plane l'ombre majestueuse. (La clément divine)

Hafez Shirazi (1999)

ترجمهٔ دیگر این ابیات:

Un aigle comme toi, d'une telle hauteur, dommage cet appétit d'ossement !

Hélas, cette ombre d'ambition jetée sur des gens méprisables !

حافظ (۱۳۹۵: ۷۰)

در این برگردان معادل aigle عقاب آورده شده است، با وجود این که «هما» از راستهٔ عقابیان است اما شباهت بیشتری به کرکس دارد و احتمالاً از اجداد اوست چراکه همچون او تغذیه می‌کند و زنده‌خوار نیست و از نظر ظاهری نیز هماهنگ‌تر است (تصویر ۹).

#### آرایه‌های ادبی و ترجمه اسامی حیوانات

در همهٔ ۶۰۰۰ زبان زندهٔ دنیا خصوصیت‌های منحصر به فردی وجود دارد که ناشی از تفاوت در نگاه به جهان گویندگان آن زبان‌هاست ([www.sens-public.org](http://www.sens-public.org)) و هر کدام ویژگی‌های خاصی دارد که بیشتر آن‌ها در روند ترجمه دچار دگرگونی می‌شوند؛ بازی‌های واژگانی، واج آرابی، جناس، اصطلاحات و بسیاری دیگر از آرایه‌های ادبی برای بسیاری از مترجمان، هرچند زبردست، مشکل‌آفرین و وقت‌گیر است به این ترتیب ترجمهٔ این موارد اغلب منجر به از بین رفتن تصویر ساختهٔ مؤلف و از بین رفتن شبکهٔ معنایی<sup>۱</sup> می‌شود؛ چنانچه آنتوان برمن<sup>۲</sup> گفته است: «برای مترجم گریزی جز بهره‌بردن از گرایش‌های ریخت‌شکنا [13] نیست»

1. Les réseaux sémantiques

2. Antoine Berman

(برمن، ۱۹۹۹: ۶). گاهی در متون از اسامی حیوانات به صورت آرایه ادبی استفاده شده است که کار ترجمه دشوار می‌گردد.

مثال ۱:

برای مثال واژه «شیر» در بیت زیر با واژه‌های دام و بیابان مراعات‌النظیر است ولی در ترجمه چنین به نظر نمی‌رسد:

فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست / کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد (بیت ۵)

Montées et descentes au désert de l'amour sont le piège que tend le malheur.  
Où est l'intrépide qui ne se gardera du malheur ?

حافظ (۱۳۹۵: ۱۵۹)

واژه شیردل در فارسی به معنای شجاع و استعاره می‌باشد در حالی که در زبان فرانسه شیر -lion- در معادل فرانسوی واژه «شجاع» l'intrépide وجود ندارد. در واقع آرایه ادبی مقصود شاعر که علاوه بر مراعات نظیر با دام و بیابان، استعاره نیز هست و جنبه زیبایی کلام بوده کاملاً از بین رفته است.

مثال ۲:

در بیت زیر نیز دو واژه «هزار» جناس هستند که اولی عدد و دومی نام پرنده‌ایست. این آرایه نیز در ترجمه ناخواسته حذف شده است.

صد هزاران گل شکفت و بانگ مرغی برنخاست / عندلیبان را چه پیش آمد هزاران را چه شد (بیت ۳)

Cent milliers de roses se sont ouvertes et pas un cri d'oiseau ne s'est élevé.  
Qu'est-il arrivé aux rossignols, à ces oiseaux aux mille chants ?

حافظ (۱۳۹۵: ۱۷۲)

#### اسامی حیوانات در امثال و تعبیرات

تا بدین جا المان‌های تولید معنا و کارکرد معنی را در ترجمه اسامی حیوانات دیدیم و نمونه‌هایی را در ترجمه متون ادبی برشمردیم. مسئله مهم دیگر امثال و تعبیرات است. در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات نیز از حیوانات بهره برده شده است که در هنگام ترجمه یا معادل

آن در زبان مقصد وجود ندارد یا حیوان شبیه زبان مبدأ نیست. در این موارد مفهوم مد نظر گوینده در هر دو زبان یکسان است ولی تصویر ذهنی آن‌ها متفاوت است. برای مثال حالت پوست درهنگام سرما یا ترس را فرانسوی‌ها *chair de poule* - پوست مرغ- و ایتالیایی‌ها *pelle d'oca* - پوست غاز- می‌نامند درحالی‌که ما در فارسی از اصطلاح «مو به تن سیخ شدن» یا «مور مور شدن» استفاده می‌کنیم. یا برای گردن بلند، فرانسوی‌ها اصطلاح *col de cygne* - گردن قو- و ایتالیایی‌ها اصطلاح *collo d'oca* - گردن غاز- را به کار می‌برند (اونس و والتر، ۲۰۱۰: ۷۷۵). در فارسی برای گردن بلند اصطلاح گردن زرافه به کار برده می‌شود (تصاویر ۷ و ۸). در زیر چند مورد از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها آورده شده که در زبان مبدأ و مقصد از یک حیوان استفاده نگردیده است.

<u>Il n'y a pas un chat</u>	پرنده پر نمی‌زند.
<u>Un grand cheval</u>	عین شتر.
Avoir une fièvre de <u>cheval</u>	مثل خر تب کردن.
Entre <u>chien</u> et loup	هوای گرگ و میش.
Arriver comme <u>un chien</u> dans un jeu de quilles	خروس بی محل بودن.
Avoir un caractère de <u>cochon</u>	اخلاق سگی داشتن.
C'est donner de la confiture aux <u>cochons</u>	خر چه داند قیمت نقل و نبات.
<u>Un cochon</u> n'y retrouverait pas ses petits	شتر با بارش گم می‌شود،
Une cage à <u>lapins</u>	سوراخ موش
Qui vole un œuf vole <u>un bœuf</u>	تخم مرغ دزد شتر دزد می‌شود.
Connu comme <u>le loup blanc</u>	مثل گاو پیشانی سفید.
Se jeter dans la gueule du <u>loup</u>	خود را به کام شیر افکندن.
Des pattes de <u>mouche</u>	خط خرچنگ قورباغه.
Il ne ferait pas de mal à <u>une mouche</u>	آزارش به مورچه نمی‌رسد.
<u>Un rat</u> de bibliothèque	کرم کتاب.

(اطلاعات بیشتر: خطاط، رعدی آذرخشی و موثقی، ۱۳۶۶)

در توضیح می‌توان گفت در مثال‌های ۲ و ۳ تصاویر حیوانات به هم نزدیک است و تفاوت ناشی از بکارگیری حیوانات و شناخت مردم آن سرزمین است. در مثال‌های ۶ و ۷ خوک به سگ و خر تبدیل شده است که نشان از پایین بودن جایگاه این حیوانات در نگاه مردم دارد. در مثال‌های ۸، ۹، ۱۰ و ابعاد حیوان مد نظر بوده است.

#### اسامی حیوانات به‌عنوان نماد

اسامی حیوانات در نمادها نیز به کاررفته است. در ادبیات همه کشورهای نمادهایی سرشار از معنی وجود دارند که انتقال آن‌ها از طریق ترجمه ممکن نیست و معادل انتخاب شده نمی‌تواند همه معنا را منتقل نماید. برای مثال «خروس» نماد کشور فرانسه، در ایران نماد سحرخیزی است یا کفشدوزک نماد خوشبختی و شانس در کشور چین است.

مثال ۱:

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد  
این مدعیان در طلبش بی خبرانند / کانرا که خبر شد خبری باز نیامد (دیباچه گلستان، سعدی شیرازی)

Ô oiseau du matin (c'est-à-dire, ô rossignol), apprends du papillon comment il faut aimer ; car, consumé, il a rendu l'âme sans se faire entendre. Ces présomptueux sont ignorants dans la recherche de la divinité, parce que celui qui en a eu connaissance, n'a pas recouvré son intelligence. Sa'di, Defrémery (1858)

آتش آن نیست که از شعله او خندد شمع / آتش آن است که در خرمن پروانه زدند (بار امانت، حافظ)

Le feu fait-il rire les cierges ? Mais non ! Au contraire, c'est lui  
Qui brûle les ailes, la nuit, au phalène crépusculaire.  
(Les poids du Dépôt) Hafez Shirazi (1999)

پرواز به دور شمع و به آتش زدن پروانه که در فارسی تعبیر به عشق فروتنانه عاشق می‌شود، در بین اعراب نمادی از پوچی و جهالت است. در زبان فرانسه این حشره نمادی از تغییر و تحول، سبکی و ناپایداری است و حرکت او به سوی آتش جهت پاکسازی (خلوص) اوست. در مثال اول پروانه به صورت le papillon ترجمه شده است اما در مثال دوم معادل la phalène آورده شده، که اولی انتخاب مناسب‌تری است چراکه مطابق فرهنگ لاروس شکل

بالغ خانواده (پروانه‌سانان) *lépidoptères* است که شامل بید نمی‌شود فعل *papillonner* هم در زبان فرانسه به معنی چرخیدن به دور زنان است، اما دومی از خانواده (زمین‌سنجان) *géométridés* شامل حشرات مضر و آفات است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

امروزه ترجمه مسئله‌ای صرفاً زبانی نیست و صرف دانستن زبان مبدأ و مقصد نمی‌تواند کمکی به مترجم بکند. اگرچه ترجمه در عصر حاضر بسیار پرکاربرد است اما از نقص در امان نیست و اولین کسی که بر آن خرده گرفته می‌شود، مترجم است. لازم به ذکر است که علاوه بر دانسته‌های زبانی مترجم عواملی چون فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، ادبیات، زیست‌شناسی، اسطوره‌شناسی، نمادشناسی و... می‌تواند به کمک مترجم بیاید. جالب این‌که خلاقیت مترجم هم گاهی در ترجمه سهیم است و این موضوع علاوه بر جنبه فردی، جنبه عمومی‌تری نیز دارد، این مسئله یعنی سنت ترجمه ملی هر کشور می‌تواند در تلاش مترجم برای یافتن معادل مناسب مشوق یا مخرب باشد و این جدا از مشکلاتی است که از تفاوت بین زبان‌ها حاصل می‌شود و چاره‌ای برای آن نیست. چالش ترجمه اسامی حیوانات از نظر انتخاب واژه معادل کمی حساس‌تر است؛ چراکه در اکثر مواقع خواننده متوجه غیر منطقی بودن روال داستان می‌شود و به دنبال آن، احساس اطمینان به مترجم کاهش می‌یابد و از شوق مخاطب می‌کاهد. در همه زبان‌ها بخشی از معنا در ناگفته‌ها پنهان می‌ماند و مترجم وظیفه دارد آن را در اختیار دیگران قرار دهد: گاهی با قراردادن معادل متناسب از زبان مقصد، گاهی استفاده از توضیحات (زیرنویس، مقدمه و...)، گاهی با ساختن معادل جدید (از ریشه کلمات زبان مقصد) و گاهی حتی استفاده بجا از واژه مبدأ می‌تواند مفید واقع گردد. ضرورت وجود فرهنگ لغات تخصصی، تصویری، تک، دو یا چندزبانه امری مسلم است چراکه بدون ابزار کافی و مناسب مترجم به موفقیت مطلوب نخواهد رسید. مطالعه تطبیقی واژگان زبان‌های مختلف در هر حوزه و بحث و پژوهش در خصوص مسائل مربوط به نقد ترجمه می‌تواند سبب بهبود آثار و گسترش صنعت ترجمه شود. موارد ذکر شده تمامی نواقص را در بر نمی‌گیرد. ادامه این تحقیق و پیشنهاد راهکارهای کاربردی به سایر علاقه‌مندان توصیه می‌شود.

## یادداشت‌ها

- [1] ترجمه مطالب توسط نگارنده صورت گرفته و گرنه ذکر شده است.
- [2] La plus ancienne revue de traductologie au monde
- [3] برای روشن شدن مطلب گاهی مثالی از زبان دیگر آورده شده که البته در تقابل با زبان فارسی یا فرانسه قرار گرفته‌اند.
- [4] Zoonymes : les noms d'animaux familiers  
این دسته که از زیرگروه‌های anthroponyme محسوب می‌شود توسط Bauer در سال ۱۹۸۵ دسته‌ای مستقل در نظر گرفته شد .
- [5] En trois règnes de la Nature, divisés en classes, ordres, genres et espèces,  
ترجمه نام کتاب از ویکی پدیا
- [6] هر دو نام گونه‌های مختلف موش در فرانسه هستند.
- [7] Il représente les notions minimales, les qualités requises élémentaires pour reconnaître un objet donné ou comprendre un concept donné - et comprendre l'expression linguistique correspondante. (Dire presque la même chose, Umberto Eco, Grasset ,2007 p.92).
- [8] هر دو نام دوگونه موش در ایتالیایی هستند.
- [9] باز را به آن سبب باز گویند که بر مردار قرار نگیرد و نزد شاه آید. چون نیامد و بر آن قرار گرفت، باز نباشد .
- [10] Traductrice et maître de conférences en langue et littérature persane à l'INALCO.
- [11] extralinguistique : در اینجا منظور المان‌های خارج از زبان می‌باشد نه Métalangage.
- [12] ترجمه نام از معادل انگلیسی
- [13] Les tendances déformantes ترجمه فارسی برگرفته از مقاله « آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه»، نوشته محمدرحیم احمدی (۱۳۹۲).

## کتابنامه

- احمدی، م. ر. (۱۳۹۲). آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه. *مجله نقد زبان و ادبیات خارجی*، ۶(۱۰)، ۱-۱۹.

- آشوری، ع. (۱۳۹۰). سیاه چشمان آسمان. ماهنامه ایران‌شناسی سرزمین من. برگرفته از <http://rasekhoon.net/article/>
- حافظ. (۱۳۹۵). دیوان فارسی-فرانسه. چارلز هنری دو فوشه کور. شیراز: هنر بیستم.
- حسینی معصوم، م.، شاه‌بیگی، آ. (۱۳۹۲). بررسی راهبردهای برگردان اسامی خاص در ترجمهٔ رمان‌ها از انگلیسی به فارسی. فصلنامهٔ مطالعات زبان و ترجمه، ۴۶(۱)، ۶۵-۴۹.
- سجودی، ف. (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: علم.
- صفایی، ع.، آلیانی، ر. (۱۳۹۶). نمادشناسی نماد حیوانی باز در غزلیات شمس. نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادب عرفانی گوهر گویا، ۱۱(۱). بهار. ۳۴-۱.
- صفوی، ک. (۱۳۹۵). درآمدی بر معنی‌شناسی، پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی. تهران: سوره مهر.
- فاریا، د. (۱۳۹۶). اسامی طنز شخصیت‌های داستانی و سنت ترجمهٔ ملی. ترجمهٔ ملیکا فتوحی. ترجمان ماهنامه تخصصی انجمن مجازی مترجمین ایران، ۷(۵)، ۲۰-۱۴.
- معادالهی، پ. (۱۳۹۰). ترجمه ادبیات کودکان: بررسی ترجمهٔ اسامی خاص شخصیت‌ها. مجله علمی پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، ۲(۲)، ۱۵۳-۱۶۸.
- میرزایی، م. (۱۳۹۰). بانوی فرم‌پوش. دو هفته‌نامه دانستنی‌های همشهری، ۳۵، ۳۶-۳۶.

- Arrivé, M. (2007). Qu'en est-il du signe chez Ferdinand de Saussure?. *Journal français de psychiatrie*, 29, 39-41. <https://www.cairn.info/>.
- Attar. (2016). *La Conférence des oiseaux*. Prévost, J. [www.jacques.prevost.free.fr/](http://www.jacques.prevost.free.fr/)
- Avenas, P., & Walter, H. (2011). Noms d'animaux et difficultés de traduction. *La revue Meta*. 4, 769-778. <https://www.erudit.org/fr/revues/meta/>
- Berman, A. (1999). *La traduction et la lettre ou l'auberge du lointain*. Paris: Seuil.
- Biancamaria, B. (2007). Communication entre les langues, communication des cultures, *Revue électronique internationale sens public*. [www.sens-public.org](http://www.sens-public.org).
- Eco, U. (2007). *Dire presque la même chose, Expériences de traduction*. Paris : Grasset.
- Hafez Shirazi. (1999). *L'amour, l'amant, l'aimé*. Vincent-Mansour Monteil et Akbar Tadjvidi. Sindbad. <http://www.larousse.fr/>. <http://www.sgv-champagne.fr/?p=4466>. <https://reflexivites.hypotheses.org/>. <https://www.futura-sciences.com/planete/questions-reponses/animaux-difference-pingouin-manchot-Publié : le 14/05/2017, Nathalie Mayer>.
- Khatat, N., RaadiAzarakhshi, G., Kianvach, M., & Movassaghi, A. (1987). *Expressions imagées et proverbes de la langue française*. Téhéran: SAMT.



- Lecuit, E., Maurel, D., Vitas, D. (2012). La traduction des noms propres : une étude en corpus .200-218, <http://journals.openedition.org/>.
- Racah, P-Y. (2004). *Une sémantique du point de vue : de l'intersubjectivité à l'adhésion*, in : *Discours social*. Montréal.
- Sa'di. (1858). *Le parterre de roses*. CH. DEFRÉMERY, <http://remacle.org/>.

## تصاویر



تصویر ۱: نوعی دم‌جنبانک Bergeronnette / کبوتر Colombe / یاکریم Tourterelle



لک‌لک Les Cigognes

تصویر ۲: درنا Les Grues

**TOPO**

3 - 10 cm

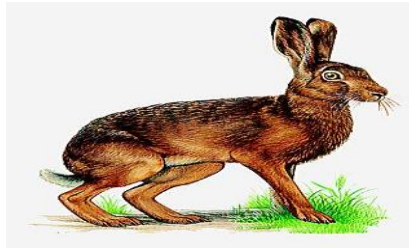


**RATTO**

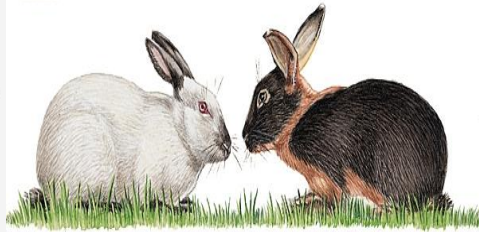
15 - 40 cm



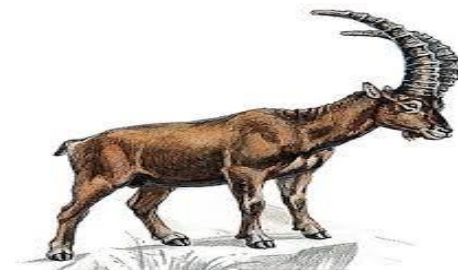
تصویر ۳



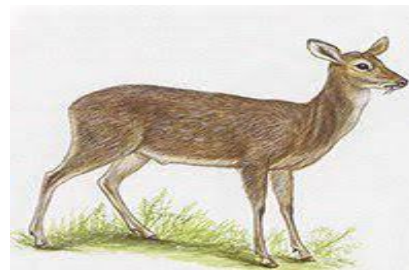
Le Lapin



/ تصویر ۴: Le Lièvre



آهوی ختن



/ تصویر ۵ Le Bouquetin: (بزکوهی)



تصویر ۶



تصویر ۷: پوست مرغ Chair De Poule / پوست غاز Pelle D'oca



گردن قو Col De Cygne

/

تصویر ۸: گردن غاز Collo D'oca



L'aigle Royal /

Homa (Persépolis)

تصویر ۹: Le Gypaète



تصویر ۱۰



*Baleine Blanche* (وال سفید)



تصویر ۱۱: *La Le Cachalot* (نهنگ عنبر) /



تصویر ۱۲: *Pescecane*